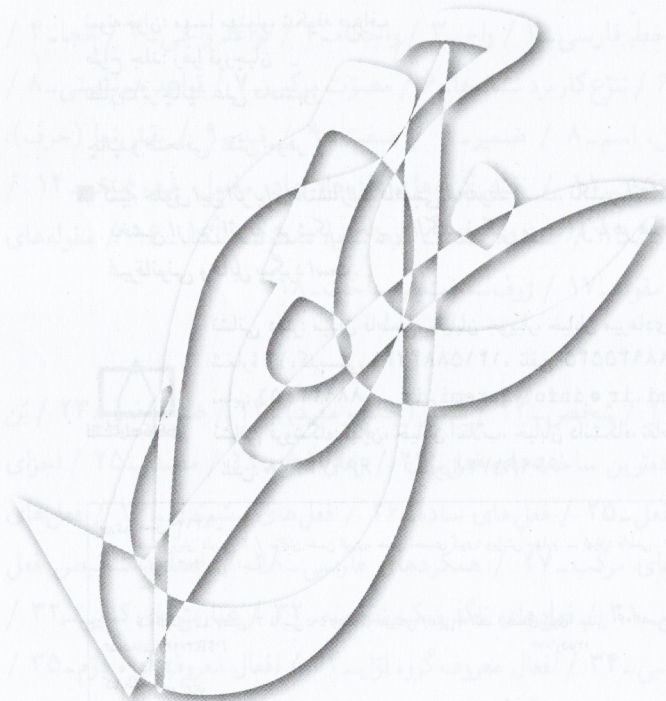


# دستور زبان فارسی ۲

ویرایش چهارم

حسن انوری

حسن احمدی گیوی



انتشارات فاطمی

## فهرست مندرجات

یادداشت ویرایش چهارم - هشت / یادداشت ویرایش سوم - هشت / یادداشت ویرایش دوم - هشت / پیشگفتار - ده

### بخش اول: مقدمه و تعاریف

زبان-۲ / زبان فارسی-۲ / خط فارسی-۳ / واج-۳ / واجگاه-۴ / قواعد واجی-۴ / هجا-۴ / صامت-۴ / مصوّت (واکه)-۶ / تنوّع کاربرد نشانه‌ها-۶ / مصوّت مرکّب-۷ / قواعد هم‌نشینی-۸ / مقوله‌های دستوری: جمله، فعل، اسم-۸ / ضمیر-۹ / صفت-۹ / قید-۹ / نقش‌نما (حرف)، شبه‌جمله-۱۰ / گروه، واژه، تکواژ-۱۱ / نقش گروه‌ها و واژه‌ها: نهاد، مفعول، قید، متمم-۱۴ / مسند-۱۵ / تمیز-۱۵ / منادا-۱۵ / صفت، مضاف‌الیه، بدل، معطوف، تأکید-۱۶ / مقوله‌های هفتگانه و نقش‌ها-۱۷ / تغییر مقوله-۱۷ / ژرف‌ساخت، روساخت-۱۸

### بخش دوم: فعل

فعل-۲۲ / ویژگی‌های فعل-۲۲ / شخص-۲۳ / شمار (جمع و مفرد)-۲۳ / صرف فعل-۲۳ / بن فعل-۲۳ / شناسه-۲۴ / ساده‌ترین ساخت‌های فعل-۲۴ / زمان فعل-۲۴ / مصدر-۲۵ / اجزای پیشین فعل-۲۵ / ساختمان فعل-۲۵ / فعل‌های ساده-۲۶ / فعل‌های پیشوندی-۲۶ / فعل‌های مرکّب-۲۷ / فعل‌های مرکّب-۲۷ / همکردهای فارسی-۲۸ / راه‌های تشخیص فعل مرکّب-۳۱ / عبارت‌های فعلی-۳۱ / فعل‌های ناگذر یک‌شخصه-۳۲ / عبارت‌های کنایی-۳۲ / ساختمان فعل‌های ساده‌ی فارسی-۳۴ / افعال معروف گروه اول-۳۴ / افعال معروف گروه دوم-۳۵ / افعال معروف گروه سوم-۳۶ / افعال معروف گروه چهارم-۳۷ / افعال معروف گروه پنجم-۳۸ / افعال معروف گروه ششم-۳۹ / افعال معروف گروه هفتم-۳۹ / افعال معروف گروه هشتم-۴۰ / مشتقات

فعل- ۴۱ / ساخت‌های اسمی و وصفی با بُن ماضی- ۴۱ / ساخت‌های اسمی و وصفی با بُن مضارع- ۴۴ / زمان‌های فعل- ۴۹ / زمان تقویمی (نجومی) و زمان دستوری- ۴۹ / ماضی ساده (ماضی مطلق، گذشته‌ی ساده)- ۵۰ / مهمترین موارد استعمال ماضی ساده (ماضی مطلق)- ۵۱ / ماضی نقلی- ۵۲ / مهمترین موارد استعمال ماضی نقلی- ۵۲ / حذف فعل کمکی در ماضی نقلی- ۵۳ / ماضی استمراری- ۵۴ / مهمترین موارد استعمال ماضی استمراری- ۵۴ / ماضی نقلی مستمر- ۵۵ / مورد استعمال ماضی نقلی مستمر- ۵۵ / ماضی بعید (دور)- ۵۶ / مهمترین موارد استعمال ماضی بعید- ۵۶ / ماضی ابعاد (دورتر)- ۵۷ / مهمترین مورد استعمال ماضی ابعاد- ۵۷ / ماضی التزامی- ۵۸ / مهمترین موارد استعمال ماضی التزامی- ۵۹ / ماضی مستمر (ملموس)- ۶۰ / موارد استعمال ماضی مستمر (ماضی ملموس)- ۶۰ / ماضی مستمر نقلی- ۶۱ / مضارع- ۶۱ / مضارع اخباری- ۶۱ / مهمترین موارد استعمال مضارع اخباری- ۶۲ / مضارع التزامی- ۶۳ / مهمترین موارد استعمال مضارع التزامی- ۶۳ / مضارع مستمر (مضارع ملموس)- ۶۵ / مورد استعمال مضارع مستمر- ۶۵ / آینده (مستقبل)- ۶۵ / مهمترین موارد استعمال آینده- ۶۶ / امر- ۶۶ / تغییر مقوله در فعل- ۶۷ / فعل دعا- ۶۷ / ناگذر و گذرا (لازم و متعدی)- ۶۸ / فعل‌های دو وجهی- ۶۹ / معلوم و مجهول- ۷۱ / موارد استعمال فعل مجهول- ۷۲ / فعل ربطی (اسنادی)- ۷۲ / فعل کامل و فعل ناقص- ۷۳ / فعل‌های کمکی (معین)- ۷۴ / فعل‌های شبه‌کمکی (شبه‌معین)- ۷۵ / فعل‌های غیرشخصی- ۷۵ / نفی و اثبات در فعل- ۷۵ / وجه فعل- ۷۶ / فعل وصفی- ۷۸ / فعل‌های لحظه‌ای و تداومی- ۷۹

#### بخش سوّم: اسم

اسم- ۸۴ / \* ویژگی‌های اسم- ۸۴ / اقسام اسم- ۸۴ / اسم جامد، اسم مشتق- ۸۴ / اسم خاص، اسم عام- ۸۵ / شناس (معرفه) و ناشناس (نکره)- ۸۶ / \* نشانه‌های شناس- ۸۸ / نکره‌ی مخصّصه- ۸۹ / بررسی اسم از جهت شمار: اسم‌های مفرد، جمع، اسم جمع- ۸۹ / اسم جمع- ۹۳ / جمع‌های عربی در فارسی- ۹۳ / اسم ساده، اسم مرکب- ۱۰۰ / ویژگی ترکیبی زبان فارسی- ۱۰۰ / انواع اسم‌های مرکب- ۱۰۳ / اسم ذات، اسم معنی- ۱۰۴ / وابسته‌های اسم (گروه اسمی)- ۱۰۵ / نخست - وابسته‌های پیشین- ۱۰۵ / دوم - وابسته‌های پسین- ۱۰۵ / اتباع- ۱۰۵ / انواع اتباع- ۱۰۷ / اسم آلت- ۱۰۹ / نام آوا (اسم صوت)- ۱۰۹ / اسم مصغّر- ۱۱۰ / مصدر- ۱۱۱ / مصدر مرخّم (بریده)- ۱۱۱ / اسم مصدر- ۱۱۲ / اقسام اسم مصدر- ۱۱۲ / مناسبات سه‌گانه‌ی کلمه‌ها- ۱۱۷ / نقش‌های اسم- ۱۱۸ / کاربرد اسم در جمله- ۱۱۸ / نقش نهادی- ۱۱۸ / نهاد مؤوّل (گشتاری)- ۱۲۰ / مطابقت فعل (شناسه=نهاد پیوسته) با نهاد جدا- ۱۲۱ /

نقش مسندی- ۱۲۴ / نقش مفعولی- ۱۲۴ / نهاد مفعولی (مسندٌ الیه مفعولی)- ۱۲۵ / مفعول مؤوّل- ۱۲۷ / نقش متممی- ۱۲۷ / متمم فعل - متمم قید- ۱۲۸ / نقش ندایی (منادایی)- ۱۲۸ / نقش تمیزی- ۱۲۹ / نقش قیدی- ۱۳۱ / نقش وصفی (صفتی)- ۱۳۲ / نقش اضافی (مضاف الیهی)- ۱۳۲ / اقسام اضافه- ۱۳۴ / اضافه‌ی گسسته- ۱۳۷ / نقش‌های تبعی- ۱۳۷ / نقش بدلی- ۱۳۸ / فرق بدل با صفت و مضاف الیه- ۱۳۸ / نقش معطوف- ۱۳۹ / نقش تکرار- ۱۳۹ / گروه اسمی (هسته-وابسته)- ۱۴۰

#### بخش چهارم: صفت

صفت- ۱۴۴ / اقسام صفت- ۱۴۴ / صفت بیانی- ۱۴۴ / ساختار صفت بیانی- ۱۴۵ / اقسام صفت بیانی- ۱۴۵ / صفت ساده- ۱۴۶ / صفت فاعلی- ۱۴۶ / صفت مفعولی- ۱۴۹ / صفت نسبی- ۱۵۲ / صفت لیاقت- ۱۵۷ / صفت ساده، صفت مرکب- ۱۵۸ / اقسام صفت مرکب- ۱۵۸ / صفت جامد، صفت مشتق- ۱۶۴ / صفات منفی- ۱۶۴ / درجات صفت بیانی- ۱۶۶ / کاربرد صفات برتر و برترین- ۱۶۸ / صفت اشاره- ۱۶۹ / صفت شمارشی- ۱۷۲ / صفت شمارشی اصلی- ۱۷۲ / صفت شمارشی ترتیبی- ۱۷۳ / صفت شمارشی کسری- ۱۷۴ / صفت شمارشی توزیعی- ۱۷۵ / صفت پرسشی- ۱۷۵ / صفت تعجّبی- ۱۷۶ / صفت مبهم- ۱۷۶ / صفت پسین، صفت پیشین- ۱۷۸ / یادآوری- ۱۷۹ / کاربرد صفت بیانی- ۱۷۹ / تعدّد صفت و موصوف- ۱۸۰ / فرق صفت و موصوف با مضاف و مضاف الیه- ۱۸۱ / کاربرد صفات اشاره- ۱۸۲ / کاربرد صفات شمارشی- ۱۸۳ / ممیّزها- ۱۸۳ / صفت شمارشی کسری- ۱۸۶ / صفت شمارشی توزیعی- ۱۸۶ / صفات پرسشی- ۱۸۸ / صفت تعجّبی- ۱۸۸ / صفت‌های مبهم- ۱۸۸

#### بخش پنجم: ضمیر

ضمیر، هسته‌ی گروه اسمی- ۱۹۲ / ضمیرهای شخصی- ۱۹۲ / اقسام ضمیر شخصی- ۱۹۳ / حذف مرجع ضمیر شخصی- ۱۹۵ / کاربرد مؤدبانه‌ی ضمیرهای شخصی مفرد- ۱۹۵ / ضمیر مشترک- ۱۹۵ / ضمیر اشاره- ۱۹۷ / ضمیرهای پرسشی- ۱۹۸ / ضمیر تعجّبی- ۱۹۹ / ضمیرهای مبهم- ۱۹۹ / کاربرد و نقش ضمیرها- ۱۹۹ / کاربرد ضمیرهای شخصی- ۲۰۰ / ضمیرهای شخصی جدا (منفصل)- ۲۰۰ / ضمیرهای شخصی پیوسته- ۲۰۱ / کاربرد ضمیرهای مشترک- ۲۰۵ / کاربرد ضمیرهای اشاره- ۲۰۹ / کاربرد ضمیرهای پرسشی- ۲۱۴ / کاربرد ضمیر تعجّبی- ۲۱۹ / کاربرد ضمیرهای مبهم- ۲۲۰ / اسم مبهم (ضمیر مبهم)- ۲۲۰ / فرق صفت‌های اشاره و پرسشی و مبهم با ضمیرهای اشاره و پرسشی مبهم- ۲۲۴

بخش ششم: قید

قید-۲۲۸ / فرق قید یا گروه قیدی با مسند-۲۲۹ / اقسام قید (از جهت مقوله‌ی دستوری)-۲۳۰ / قید مختص-۲۳۰ / قید مشترک-۲۳۳ / اقسام قید (از جهت ساختار)-۲۳۶ / قید ساده-۲۳۷ / قید مرکب-۲۳۷ / گروه یا عبارت قیدی-۲۳۸ / قید مؤول (گشتاری)-۲۳۹ / اقسام قید (از جهت مفهوم)-۲۴۰ / قید از جهت مفهوم-۲۴۰ / قید زمان (کلمه‌ها و ترکیب‌هایی که می‌توانند قید زمان باشند)-۲۴۰ / قید مکان-۲۴۱ / قید مقدار (کمیت)-۲۴۲ / قید کیفیت (چگونگی)-۲۴۲ / قید حالت-۲۴۲ / قید آرزو (تمنا)-۲۴۳ / قید تأشف-۲۴۳ / قید تعجب-۲۴۴ / قید قصد-۲۴۴ / قید تدریج-۲۴۴ / قید تکرار-۲۴۴ / قید تفسیر-۲۴۵ / قید ترتیب-۲۴۵ / قید پرسش-۲۴۵ / قید استثنا-۲۴۶ / قید نفی-۲۴۶ / قید تصدیق و تأکید-۲۴۶ / قید تردید-۲۴۶ / قید تشبیه-۲۴۶ / قید علت-۲۴۷ / قید انحصار-۲۴۷ / قید تبری و ادب-۲۴۷ / قید اختصار-۲۴۸ / اقسام قید (از حیث نشانه)-۲۴۸ / شناخت قید در جمله-۲۴۸

بخش هفتم: شبه جمله (صوت)

شبه جمله-۲۵۰ / شبه جمله‌ی تفسیر-۲۵۴ / کاربرد شبه جمله-۲۵۴

بخش هشتم: نقش نما (حرف)

ساختمان حرف ربط-۲۵۹ / مهمترین حرف‌های ربط مرکب-۲۵۹ / معنی و کاربرد حرف‌های ربط ساده-۲۵۹ / حرف ربط تأویلی-۲۶۲ / ساختمان حرف اضافه-۲۶۷ / حرف‌های اضافه‌ی ساده، معنی و کاربرد آن‌ها-۲۶۹ / کسره‌ی اضافه-۲۷۸ / رابطه‌ی حرف اضافه با فعل-۲۷۸ / حرف نشانه-۲۸۰ / نقش‌نمای اضافه: کسره-۲۸۱

بخش نهم: وندها (پیشوند، میانوند، پسوند)

وندها-۲۸۴ / پیشوندها-۲۸۴ / پسوندها-۲۹۰ / میانوند-۳۰۷

بخش دهم: جمله

جایگاه و ترتیب اجزای جمله-۳۱۷ / اقسام جمله-۳۲۱ / اقسام جمله از حیث مفهوم و چگونگی بیان-۳۲۱ / جمله‌ی دستورمند (مستقیم)، جمله‌ی نادستورمند (غیرمستقیم)-۳۲۲ / جمله‌ی فعلی، جمله‌ی اسنادی، جمله‌ی بی‌فعل-۳۲۲ / جمله‌ی مستقل، جمله‌ی ساده، جمله‌ی مرکب-۳۲۳ / جمله‌ی هسته (پایه)، جمله‌ی وابسته (پیرو)-۳۲۵ / تشخیص جمله‌ی هسته (پایه) از وابسته (پیرو)-۳۲۵ / جمله‌های هم‌پایه-۳۲۶ / جمله‌ی مثبت، جمله‌ی منفی-۳۲۷ / جمله‌ی معترضه-۳۲۷ / جمله‌های پیوسته-۳۲۸ / پرسشی کردن جمله-۳۲۸ / تنازع-۳۲۸ / حذف در جمله-۳۳۱ / حذف

فعل-۳۳۲ / حذف فعل به قرینه‌ی لفظی-۳۳۳ / حذف فعل به قرینه‌ی معنوی-۳۳۴ / حذف نهاد-۳۳۵ / حذف مسند-۳۳۶ / حذف مفعول-۳۳۶ / حذف متمم-۳۳۷ / حذف حرف اضافه-۳۳۷ / حذف حرف ربط-۳۳۷ / حذف اجزای دیگر جمله-۳۳۸

بخش یازدهم: دستور تاریخی

زبان-۳۴۲ / کاربردهای کهن فعل-۳۴۴ / کاربردهای کهن اسم-۳۵۷ / کاربردهای کهن صفت-۳۶۱ / کاربردهای کهن ضمیر-۳۶۳ / کاربرد کهن قید-۳۶۸ / کاربردهای کهن حرف-۳۶۹ / کاربرد کهن وندها (پیشوندها و پسوندها و میانوندها)-۳۷۴ / کاربرد کهن شبه جمله (صوت)-۳۷۵ / کاربرد و ترکیب‌های کهن جمله-۳۸۰

کتابنامه-۳۸۴

نمایه-۳۸۷

## ۱-۱ زبان

زبان یا در نشانه‌های صوتی یا در نشانه‌های نوشتاری تظاهر می‌کند. زبان اگر در نشانه‌های صوتی آشکار شود، زبان گفتاری و اگر در نشانه‌های نوشتاری (خطی) آشکار شود، زبان نوشتاری نامیده می‌شود. علاوه بر این‌ها، البته زبان اشارات و حرکات نیز وجود دارد، اما نه آن نشانه‌های صوتی واقعیت زبان است و نه این نشانه‌های خطی. بلکه زبان را طرح نظام‌واره یا دستگاه ارتباطی پیچیده‌ای با ساختمانی انتزاعی می‌توان فرض کرد که در آن دو تظاهر می‌کند و با نوعی رفتار اجتماعی همراه است؛ نتیجتاً زبان، پدیده‌ی پیچیده‌ای است و از آن رو تعریف منطقی آن بسیار دشوار است. رفتار زبانی به صورت نوعی فعالیت عضوی از انسان صادر می‌شود.

## ۲-۱ زبان فارسی

زبان فارسی از خانواده‌ی زبان‌های ایرانی، و زبان‌های ایرانی از خانواده‌ی زبان‌های «هند و ایرانی» است. زبان‌های هند و ایرانی نیز از شاخه‌ی زبان‌های «هند و اروپایی» است. زبان‌های هند و اروپایی یکی از خانواده‌های مهم زبان بشری است که شاخه‌های گوناگون آن در سراسر اروپا و قسمت پهناوری از آسیا و آمریکا و اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده است.

از آنجا که زبان، پدیده‌ای اجتماعی است و نمی‌تواند صورت ثابت و واحدی داشته باشد و همواره به تبع دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی، دستخوش تغییراتی می‌گردد، در هر دوره‌ای از تاریخ ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که شکل آن را از زبان دوره‌ی پیش متمایز می‌کند. از این رو می‌توان در بررسی تاریخی هر زبان، مسیر تحولات آن را از کهن‌ترین صورت دنبال کرد و تغییرات و تحولات و قوانین حاکم بر آن تحولات را در طول تاریخ تعیین نمود.

زبان فارسی مانند دیگر زبان‌های ایرانی، از قدیم‌ترین صورت بازمانده‌ی آن تا فارسی دری سه دوره‌ی تحوّل باستان، میانه و جدید را پشت سر گذاشته است و زبان فارسی امروز دنباله‌ی طبیعی و صورت تحوّل یافته‌ی یکی از گونه‌های زبان فارسی میانه است و زبان فارسی میانه، خود صورت تحوّل یافته‌ی زبان فارسی باستان است.

زبان فارسی که به آن فارسی دری نیز می‌گویند، زبان رسمی، اداری، علمی و ادبی ایران دوره‌ی اسلامی است و بیش از هزار و دویست سال قدمت دارد. آشکار است که فارسی دری نیز در عمر دراز خود تحولاتی داشته است؛ اما این تحولات تا آن اندازه نیست که ما امروزه سروده‌های شاعران قرن سوم و قرون بعد را به هیچ وجه نفهمیم و زبان فارسی امروز را زبانی به‌کلی جدا و متمایز از زبان رودکی و فردوسی بدانیم.

تحوّل زبان باعث شده است که گونه‌ها، گویش‌ها، و لهجه‌های متفاوتی پیدا کند. گونه به آن شکل

زبان می‌گوییم که در موقعیت خاص گفته می‌شود: وقتی تشریف آوردید به شما عرض خواهم کرد؛ وقتی که آمدید به شما می‌گوییم؛ وقتی آمدی به تو می‌گوییم. این سه عبارت به یک زبان تعلق دارد؛ اما در موقعیت‌های خاص گفته می‌شود. این عبارت‌ها، گونه‌های متفاوت از یک زبان هستند. لهجه به اشکالی از زبان گفته می‌شود که در تلفظ، اندکی با هم تفاوت دارند؛ مثلاً عبارت‌های بالا را اگر یک کرمانی و یک تهرانی و یک اصفهانی بر زبان بیاورند، اندکی با هم متفاوت خواهند بود؛ به این شکل‌ها لهجه می‌گویند. گویش آن شکل از زبان است که علاوه بر تلفظ، بعضی از کلمات و نیز ساخت دستوری جمله نیز تفاوت کند؛ با این همه برای گویشوران دیگر قابل فهم باشد. اگر شما به رادیو تهران و رادیو کابل - وقتی که به فارسی برنامه دارند - گوش کنید، این تفاوت را احساس خواهید کرد. فارسی افغانستان گویشی از زبان فارسی است.

## ۳-۱ خط فارسی

در دوران اسلامی، برای نوشتن زبان فارسی، خط عربی به‌کار گرفته شده است که از نظر منشأ با خطوط ایرانی دوره‌ی میانه تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا این خط نیز همچون خطوط ایرانی از زمره‌ی خطوط سامی محسوب می‌شود و عناصری که در تکامل خطوط سامی مؤثر بوده در خط عربی نیز به چشم می‌خورد. نشانه‌هایی که امروزه برای نشان دادن آواهای زبان فارسی به‌کار می‌رود - یعنی الفبای زبان فارسی - عبارت است از: ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی. به هر کدام از این نشانه‌ها حرف می‌گویند.

هر کدام از این نشانه‌ها به دو یا چند صورت نوشته می‌شود، مثلاً ه، ه، ه، ه.

## ۴-۱ واج

نشانه‌های مذکور، آواهای زبان فارسی را نشان می‌دهد. هر کدام از آواهای زبان فارسی - و هر زبان دیگر - را واج<sup>۱</sup> می‌گویند. واج عبارت است از کوچکترین واحد صوتی که می‌تواند تغییری در معنا ایجاد کند. مثلاً در واژه‌های «لین» و «رین» جزء اول با اینکه از جهت آوایی به هم نزدیک است باز قابل تشخیص و متمایز است و جابه‌جایی آن‌ها، در معنا تغییر به‌وجود می‌آورد. همچنین است جزء آخر در واژه‌های «تاب» و «تاپ». ب و پ از هم قابل تمایز است.

واج‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: واج‌های صامت یا همخوان<sup>۲</sup> و واج‌های مصوت (صدادار) یا واکه<sup>۳</sup>.

۱. واج: در انگلیسی phoneme و در فرانسوی phonème.

۲. صامت یا همخوان: در انگلیسی Consonant و در فرانسوی Consonne.

۳. صدادار یا واکه: در انگلیسی Vowel و در فرانسوی Voyelle.